

کاوه کاظمی

آشوب و آرام ابراند شمالے

www.ketab.ir



© موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲

تلفن: ۸۸۸۲۸۱۰۳ - ۸۸۸۳۲۲۹۲ - ۸۸۴۴۱۷۸

www.nazarpub.com

info@nazarpub.com

آشوب و آرام ایرلند شمالی کاوه کاظمی

پیشگفتار: پل کلمنتس • مقدمه: کاوه کاظمی • صفحه آرای: روشنگ مافی

ترجمه: سهراب مهدوی • ویراستار: سایه اقتصادی-تیا

چاپ: چاپ و نشر نظر • پیش از چاپ: سعید کاوندی • تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ نخست: تهران ۱۳۹۸ • شابک: ۷-۳۰۰-۱۵۲-۶۰۰-۹۷۸

© هر نوع تکثیر، انتشار یا استفاده از تمامی یا بخشی از اثر به شکل فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش، ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

www.ketab.ir

دهه شصت میلادی دوران پرتلاطمی در تاریخ پیچیده و سردرگم بحران ایرلند بود. زخم رخدادهای ناگوار بسیاری بر بدن بازماندگان مانده بود و ترکش‌های آن هنوز هم باقی است. از سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹)، با آغاز بحران، توجه دیگر کشورها هم به ایرلند شمالی جلب شد. ایرلند بخشی از بریتانیای کبیر بود که در سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱) موجودیت جداگانه‌ای پیدا کرد و به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. از آن سال، بخش شمالی جزوی از انگلستان به شمار می‌آید و مرزی پانصد کیلومتری با جمهوری ایرلند جنوبی دارد.

از زمان ترک اعتصاب غذای سیاسی جمهوری خواهان ایرلندی در سال ۱۳۶۰ شمسی آغاز شد و تاچریسم ظهور کرد، چشم‌انداز سیاسی برای پایان یافتن اختلافات در دیدرس نبود. هدف اعتصاب غذای سیاسی برجسته کردن وضعیت زندانیان ارتش جمهوری ایرلند (آی‌آرای) و ارتش رهایی‌بخش ملی ایرلند (آی‌ان‌ال‌آی)^۲ بود که به مرگ ده نفر انجامید. این واقعه باعث ازهم‌گسیختگی ملی و قطب‌بندی‌های سیاسی شد.

ایرلند شمالی (که به نام «اوسترا» هم شهرت دارد) استان کوچکی است که از شش ناحیه تشکیل شده و جمعیتی ۱۰۷ میلیونی دارد. این استان در آن سال‌ها به موضوع رسانه‌ها بدل شد. تصاویر مرگ و تخریب در آن در سراسر دنیا به نمایش درآمد. وظیفه ثبت و نمایش این صحنه‌های اغلب دلخراش به دانش‌نگاران، فیلمبرداران و عکاسان افتاد. بسیاری از آنها برای شبکه‌های خبری محلی و ایستگاه‌های رادیوتلوویزیونی کاری کردند و عده‌ای دیگر، که به «مردان آتش» شهرت یافتند، از نقاط مختلف دنیا به مکان‌های پرتنش آمدند تا برای شبکه‌ها و آژانس‌های خبری انگلیسی، آمریکایی یا اروپایی خبر تهیه کنند.

اولین ملاقات تصادفی من با کاوه کاظمی در تابستان ۳۶۱ (۱۹۸۵) رخ داد. او عکاس آزاد نشریات بین‌المللی بود. ما با هم مشغول صحبت شدیم و دوستی میانمان شکل گرفت. او را به خیابان‌های جنگ‌زده بلفاست^۴ بردم و برایش از پیچیدگی وضعیت آن کشور گفتم - موقعیتی که برای کسانی که از نقاط دیگر آمده‌اند چنان هم درکش ساده نبود. او در چشم‌به‌هم‌زدنی پی به ظرایف و جغرافیای خیابان‌ها برد.

یک‌بار با هم به کراس‌مگلن^۵ در آرمای^۶ جنوبی رفتیم که در آن زمان به «منطقه راه‌زنان» شهرت داشت، چون موی دماغی بود برای ارتش انگلستان و پلیس محلی. سربازان را از راه هوا با مهمات به آن منطقه می‌بردند و در پادگان‌ها و خاکریزهایی که به «سنگر» معروف بود پیاپی می‌کردند. گذرگاه‌های باریک این منطقه مرزی آن قدر خطرناک بود که نمی‌شد رفت‌وآمد کرد. دیده‌بانی‌هایی بر فراز تپه‌های مهم افراشته شده و فضایی ماقبل تاریخی به این تپه‌ها و دشت‌ها داده بود. حضور نیروهای امنیتی و خطر جدی تروریسم واقعی روزمره بود و شاید بتوان چنین شرایطی را «رئوایی» عکاسان دانست. نمی‌توانستی به راحتی در این منطقه رفت‌وآمد کنی چون هر حرکتی تحت‌نظر بود و مین‌های زمینی در سر راهت بسیار بودند.

کاوه مشتاق بود که عکس بگیرد و یادم می‌آید که به او یادآوری کردم بد نیست پیش از آنکه سر لنز دوربینش را از ماشین بیرون

1. Irish Republican Army (IRA) 2. Irish National Liberation Army (INLA) 3. Ulster 4. Belfast
5. Crossmaglen 6. South Armagh

ببرد سربازان را از نیت خودمان باخبر کنیم. البته انگشت‌نما هم بودیم و منطقی‌ترین رویه این بود که کارت خبرنگاری خود را بلافاصله برای افسر نگهبان رو کنیم. همین کار را کردیم و اجازه گرفتیم از منطقه و سربازانی که در دیده‌بانی‌ها و روستاهای اطراف مشغول گشت بودند عکس بگیریم.

اواسط دهه شصت زمان اعتراض‌های حزب اتحادیون ایرلند علیه «عهدنامه ایرلند و انگلستان» بود: پیمانی میان دولت مارگارت تاچر و دولت ایرلند. ایرلندی‌های شمالی به خاطر نقش پُررنگ رایزنی که این پیمان به جنوبی‌ها می‌داد با آن سر سازگاری نداشتند. شعار «اولستر می‌گوید نه» بر سر زبان‌ها بود و در شهرهای بزرگ و کوچک به صورت اعتراض در تجمعات بانگ زده می‌شد.

در طول بحران، تصاویر گویای بسیاری از رویکرد عقیدتی دو طرف پرده‌برداری می‌کرد. عکس‌های کاوه تأملی است گرد یک مکان در زمانی به‌خصوص و از این نظر مهم‌اند. کاوه فتوژورنالیستی است که آگاهی اجتماعی دارد و عکس‌هایش مکان و زمانی را پیش چشم می‌آورد و داستانی را روایت می‌کند که واژه‌ها از بیان آن قاصرند. این عکس‌ها نمایانده تجربه، دیدگاه شخصی و کنج‌کاوی او نیز هستند. او، از دریچه لنز، پرتوهای سؤال‌برانگیز و خاصی از مردم شهرها و روستاهانگاه می‌کند.

نگاه تیزبین او جزئیات را بیرون می‌کشد. چه نقاشی‌های دیواری رنگارنگ و چه دیوارنوشته‌های زیرشیروانی. امروزه این نقاشی‌ها هزاران توریست را به خود می‌کشد؛ اما در دهه شصت شمشیر شیبانی بودند برای نمایش قدرت ثبت تاریخی کنش هنری. این تصاویر امروز فقط یادآور نوشته‌های دردناک‌اند. عکس‌های او همچنین مسائل اجتماعی را بازتاب می‌دهند: پسری در کنار تخته‌پاره‌هایی که برای آتش زدن جمع شده است سیگار دود می‌کند، بچه‌ها در نزدیکی خرابه‌های سنگری مشغول بازی‌اند، یا نوجوانی که وسط درگیری‌ها در یک مهمانی مشغول خوشگذرانی است. تصاویر نه تنها گستره درگیری‌ها را می‌نمایانند، در کنارش زندگی روزمره را نیز به نمایش می‌گذارند. برای بسیاری از مردم عادی در شرایط غیرعادی در جریان بود.

بلفاست در سال‌های دهه شصت شمشیر (هشتاد میلادی) جولانگاه لندرورها، پرسه‌زنی‌های ارتشی، سربازصف‌های کمین گرفته، تاکسی‌های سیاه، مراسم تشییع جنازه، راهپیمایان، دسته‌های مارش، رویارویی‌های سیاسی، حصارها و دیوارهای بلند، تظاهرکنندگان پرچم‌به‌دست، شاه ویلیام سوار بر اسب سفید و جنگ سال ۱۶۹۰ میلادی، پلیس ضد شورش، وردیف خانه‌هایی با «دو ایوان بالا، دو ایوان پایین» بود که از دودکش‌های آن دود خاکستری رنگی به هوا می‌رفت.

آنچه اهمیت دارد، تماشای عکس‌ها با توجه به بستر زمانی آنهاست. ایرلند شمالی راه درازی را در سی و هفت سال پس از گرفتن این عکس‌ها می‌گذرد طی کرده است. کاوه، در تعداد کمی از این تصاویر که اکثراً آبی گرفته شده است، اغلب مردم را نشان می‌دهد که در وضعیت طبیعی خود قرار دارند. برخی عکس‌ها در میانه درگیری‌های شدید گرفته شده‌اند و نشان از آتش دارند که کاوه خود را جسورانه به درگیری‌ها نزدیک کرده است.

او، به غیر از بلفاست و آرمای جنوبی و دیگر شهرها، به دری^۷ در مرز ناحیه دونگال^۸ هم رفت. در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹)، جمله «شما دارید به منطقه آزاد دری وارد می‌شوید» بر کنج دیوار کلیسای کاتولیک باگساید^۹ نوشته شده بود و حروف آن نماد مسلمی بود از مقاومت و تصویر گویایی از بحران. سه‌سال بعد، در جریان راهپیمایی جنجال‌برانگیز ۱۰ بهمن ۱۳۵۰ (۳۰ ژانویه ۱۹۷۲)، سیزده غیرنظامی، زمانی که سربازان هنگ چتر باز بر روی آنها در کنار باگساید آتش گشودند، به ضرب گلوله کشته شدند و چهارده تن دیگر نیز بعدتر جان باختند. این وقایع به نام «جمعه خونین»^{۱۰} مشهور شد و نقطه عطفی بود در درگیری‌های بعدی که آتش خشونت‌ها را شعله‌ور کرد و جان عده زیادی را گرفت.

زمانی که کاوه به دری قدم گذاشت، چهارده سالی از جمعه خونین گذشته بود و خاطره آن در بافت شهر نفوذ کرده بود. همین خاطره با روایت‌هایش در کار او نیز بازتاب داشت: نگاه او را به کار هنرمندان باگساید کشاند که وقایع آن روز را ترسیم کرده بودند و سایه آن را بر زندگی شهر انداخته بودند.

در این سال‌ها، وقایع بسیار دیگری در ادامه این داستان آمده است. در تیرماه ۱۳۸۹ (ژوئن ۲۰۱۰)، به دنبال چاپ گزارش ساویل^{۱۱}، دیوید کامرون^{۱۲}، نخست‌وزیر وقت انگلستان، از وقوع این رخدادها «غیرقابل دفاع و توجیه» عذرخواهی کرد. سخنان و اعتراف کامرون برای اهالی دری رهایی‌بخش بود و موج خوبی به راه انداخت. نه سال بعد، در بهار ۱۳۹۸ (۲۰۱۹)،

بیانیه دیگری صادر شد که در آن وعده محاکمه یکی از سربازان انگلیسی متهم به قتل اعلام شده بود.

پنج‌هفت سال از آن زمان، نوشته‌های یکی از نوجوانان محل هنوز باقی است و اهمیت بسزایی یافته چرا که اکنون به مسائل بین‌المللی و اجتماعی زیادی چون برابری زن و مرد، حقوق همجنس‌گرایان یا دغدغه‌هایی چون سرطان کشیده شده است. تا به امروز این دیوار همچنان موضوع عکس‌های جالب‌توجهی است که بسته به رخدادها تغییر رنگ می‌دهد.

کاوه فراسوی صف‌بندی‌های سیاسی، بی‌طرفانه، به «جوانان کارآموز دری»^{۱۳} توجه کرده است. کلاه‌های بولر^{۱۴} و برالی‌های^{۱۵} این جوانانی که مصمم به سمت پل کریگیون راه می‌پیمودند نماد اراده و استقامت آنهاست. این سازمان در سال ۱۷۱۵ به احترام سیزده جوان کارآموز (گرچه همه آنها مرد بودند) تأسیس شد. آنها دروازه شهر را در سال ۱۶۸۸ در مقابل چشمان جیمز^{۱۶}، پادشاه کاتولیک، شکستند و دری را تسخیر کردند.

از آغاز مذاکرات صلح و امضای توافق‌نامه گود فرایدی^{۱۸} در سال ۱۹۹۸، تحولات بسیاری رخ داده که به خلع سلاح همه طرف‌ها و جمع کردن تمام ادوات نظامی در تپه‌ها انجامید. میراث بحران هنوز باقی است و هنوز شیوه‌های بهتر کنار آمدن با آن در جریان است؛ اما ریشه تنش‌ها هر چه باشد، با فقدان رهبری و اختلافات سیاسی، اغلب مردم به زندگی خود ادامه می‌دهند. خشونت موافق نیستند. ایرلند شمالی در بهترین شرایط رفاهی و طولانی‌ترین دوره صلح در تاریخ خود قرار دارد. اگرچه وضعیت هنوز دلخواه نیست، همه در خیابان‌های بلفاست، دری و آرمای جنوبی هم‌صدا هستند که از دوره سیاه بحران بسیار ناصله دارند.

این عکس‌ها منطقه‌ای پرتنش را تصویر می‌کنند، که علی‌رغم بحران نقطه‌نظرهای متفاوت، مردمش از ابراز عقیده ترس نداشتند. عکس بی‌پایان و حال خود و در عین حال مهیج که یک سرباز پیاده انگلیسی را در حال گذر نشان می‌دهند، یا داوطلبی مسلح از ارتش جمهوری خواه ایرلند را در کمپ‌های نظامی حومه شهر. نباید فراموش کنیم که چه بر سرمان گذشته و عکس‌های کاوه کاظمی^{۱۷} از آن زمان پیش چشمانمان می‌گذارد.

پل کلمنتس، خبرنگار سابق بی‌بی‌سی و مستقر بلفاست که اکنون نویسنده مستقل است. آوریل ۲۰۱۹

7. Derry 8. Country Donegal 9. Bogside 10. Bloody Sunday
11. Saville Report 12. David Cameron 13. Apprentice Boys of Derry
14. Bowler 15. Brolly 16. Craigavon 17. King James
18. Good Friday Agreement